



## چه لباسی انتخاب کنیم؟

### چرخه انتخاب پدیده نو و کهنه

در انتخاب هر پدیده نو و کهنه‌ای - فرقی نمی‌کند - باید چرخه‌ای را طی کنیم:

● اول، شناخت و ارزیابی، یعنی انطباق یا عدم انطباق آن پدیده یا مد با ضوابط

دینی؛

● دوم، اصلاح و احیاناً تکمیل آن در صورت نیاز؛

● سوم، پذیرش یا عدم پذیرش آن.

این شیوه به‌خصوص در مورد مدها شیوه‌ای منطقی است. اینکه تصور کنیم هرچه دنیا آن را پسندید و پدیده قرن

در شماره‌های پیشین از مد گفتیم و اینکه خاستگاه آن و زمینه‌های گسترش آن کدام‌اند و در نهایت، مدگرایی افراطی چه تبعات منفی‌ای در پی دارد. در این شماره می‌خواهیم تکلیف‌مان را با مد روشن کنیم و ببینیم بالاخره ما باید با مدها چه برخوردی داشته باشیم.

عرصه وجود دارد؛ راهی میانه، یعنی نه سنت‌ها و هنجارهای پیشینیان را به‌خاطر اینکه کهنه‌اند یک‌جا رد کنیم، و نه هر پدیده نو و تازه‌ای راه به دلیل تازگی و به‌روز بودنش، تأیید بله، راه درست آن است که دست به انتخاب بزنیم و آگاهانه برگزینیم.

آیا باید مانند بعضی‌ها، هر پدیده نو و مدی را چشم بسته بپذیریم تا از قافله به اصطلاح تمدن عقب نمانیم؟ یا برعکس، مانند برخی دیگر از همان ابتدا در برابر هر پدیده مدنی گارد بگیریم و آن را رد کنیم و صرفاً در همان سنت‌های گذشته زندگی کنیم؟ اما راهی دیگر نیز در این

## دین با اصل مد مخالفتی ندارد

این است که دین با اصل مد و نوآوری در شکل و آداب زندگی مخالفتی ندارد و امروزی شدن را در شکل درست آن، یعنی در جهت بهبود زندگی و تحرک و جست‌وجوی دستاوردهای نو می‌پذیرد؛ به شرطی که این دستاوردها با اصول و ضوابطی که دین بر آن‌ها تأیید کرده است، همخوانی داشته باشد.

به عنوان نمونه، اسلام پیروی از مد را در حد اعتدال در شیوه لباس پوشیدن با رعایت اصولی که در پوشش شرعی آمده است، رد نمی‌کند. اسلام که با زیبایی و خودآرایی مخالف نیست.

دین اسلام بر اساس فطرت بنا شده است. مگر میل به خودآرایی و زیباسازی محیط، امری فطری و ذاتی نیست؟ و مگر با این کار نیست که هم زمینه آراستگی محیط زندگی انسان فراهم می‌آید و هم انگیزه تعالی و تداوم زندگی اجتماعی تقویت می‌شود؟

با این کار - زیباسازی خود و محیط پیرامون - عواملی که موجب ایجاد نفرت و دوری مردم از یکدیگر و یکنواختی زندگی می‌شود، از محیط زندگی آدمی رخت برمی‌بندد و جنبه‌های مثبت کمال‌خواهی و زیبایی دوستی انسان‌ها شکوفا می‌شود.

بی‌دلیل نیست که می‌بینیم، در سیره بزرگان دینی، همواره با این منطق غلط که پرهیز از خودآرایی و آراستگی دلیل وارستگی از قید نفس و بی‌اعتنایی به دنیا است، به شدت برخورد شده است.

زیرا این کار نه تنها موجبات تنفر دیگران را فراهم می‌آورد، بلکه با اصل عزت‌نفس و کرامت و منزلت انسان نیز همخوانی ندارد. به علاوه بی‌توجهی به نعمت‌ها را نیز در خود دارد. **امام صادق(ع)** در سخنی به عبید ابن زیاد فرمود: «آشکار ساختن نعمت نزد خدا، محبوب‌تر از نگهداری آن در گنجینه لباس است. پس زهار که جز در نیکوترین نوع لباس مردم زمان خویش ظاهر نشوی.» (میزان الحکمه، جلد ۱۱، ص ۵۲۸۹).

شد، دیگر درست است، تصور درستی نیست. مطلقاً پسند که دلیل نمی‌شود. اتفاقاً یکی از چیزهایی که مسلمان نباید تحت تأثیر آن قرار بگیرد، همین پسند جامعه است. **امام علی(ع)** فرموده است: «اگر راه حق را پیدا کردید، از اینکه در اقلیت هستید هرگز وحشت نکنید.» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۹).

## اسلام برای کفش و لباس مد خاصی نیاورده است

در برخورد با هر مد، ابتدا باید آن را ارزیابی کرد و با ضوابط دینی سنجید. باید دید دین در مورد مد چه دیدگاهی دارد. از اسلام‌شناس بزرگ، شهید **مطهری** بشنویم: «اسلام نه برای کفش و لباس مد خاصی آورده، نه برای ساختمان‌ها سبک و استیل معینی در نظر گرفته، و نه برای تولید و توزیع، ابزارهای مخصوصی معین کرده است - اساساً - اسلام به شکل ظاهر و صورت زندگی که وابستگی اساسی دارد به میزان دانش بشری، نپرداخته است - از این رو - در اسلام یک وسیله یا یک شکل ظاهری و مادی نمی‌توان یافت که جنبه تقدس داشته باشد تا فرد مسلمان، خود را موظف بداند که

آن وسیله و شکل را برای همیشه حفظ کند. اسلام نگفته که خیاطی، بافندگی، کشاورزی، حمل و نقل و جنگ یا هر کار دیگر از این قبیل باید با فلان ابزار باشد.» (نظام حقوق زن در اسلام، ص ۹۶-۹۷). اسلام تنها اصول و چارچوب‌ها را در این زمینه‌ها مشخص کرده است. دستورهای اسلام مربوط است به روح، معنی و هدف زندگی و باز به قول ایشان: «اسلام نه گفته با دست غذا بخور نه گفته با قاشق غذا بخور، گفته در هر حال نظافت را رعایت کن.» (همان، ص ۱۰۲).

در رهنمودهای دینی درباره خودآرایی به موارد زیادی تصریح و توصیه شده است؛ از جمله: لباس تمیز پوشیدن و آراسته پوشیدن؛ شانه‌زدن موها، نظافت؛ خوشبو کردن بدن و لباس. در مورد لباس نیز اسلام مد خاصی نیاورده، بلکه تنها به بیان اصول کلی لازم در این زمینه بسنده کرده است.

فرضاً اینکه لباس به گونه‌ای نباشد که عفت و پاکي با آن خدشه‌دار شود. یعنی از نظر شکل، رنگ و طرح نباید احساسات شهوانی دیگران را برانگیزد یا از شباهت به کفار و بیگانگان و تقلید محض از آنان عاری باشد.

کافی است که تنها هویت فرهنگی خودی را به نمایش بگذارد، زیرا مسلمان حق ندارد هویت فرهنگی خود را از دست بدهد و اسیر روحی و روانی بیگانگان شود.

مسلمان مؤمن تنوع‌طلب، با رعایت این اصول، آزاد است که به هر شکل که می‌خواهد لباس بپوشد و از رنگ‌های گوناگون استفاده کند.

اسلام که نمی‌خواهد همه یک‌جور لباس بپوشند. در حدیثی از **امام صادق(ع)** آمده است: «خیر لباس کلی زمان لباس اهل» یعنی بهترین لباس هر زمانی، لباس مردم همان زمان است (میزان‌الحکمه، جلد ۱۱، ص ۵۲۸۹، حدیث ۱۸۰۸۱).

این است که می‌بینیم لباسی که **امام رضا(ع)** می‌پوشیدند، با نوع لباس امام علی(ع) متفاوت بود.

این موضوع را که برخی از اطرافیان نیز بر نمی‌تافتند و حتی به آن حضرت نیز جاهلان‌ه اشکال می‌گرفتند.

خود امام رضا(ع) در جایی فرموده است: «دوست‌داران بی‌بضاعت من، دوست دارند که من روی نمد بنشینم و لباس درشت - زبر - بپوشم، در حالی که زمانه (ما) آن را نمی‌پذیرد.»

